

تمرکز زدایی بایسته در نظام آینده افغانستان با تأکید بر مردم سالاری

محمد آصف فقیری^۱ / دکتر مهدی شعبان نیا منصور^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴

چکیده

در نخست سعی بر آن شده است تا تمرکز زدایی را تنها به مفهوم فدرالیسم ندانیم و از ورود مبانی نظری گونه های دولت با در نظر داشت این که عدم توسعه انسانی در حال حاضر مشهود می باشد و ارائه نظریه فدرالیسم رویکرد پوزیتیویستی بوده نه فلسفی، که نظام اداری غیر متمرکز از گونه بسیط دولت یا یک پارچه، بایستی بر هستی کنونی افغانستان معقول استنتاج می شود چون تأکید بر دموکراسی محلی سازنده وجه ملت سازی و متوازن سازی افکاری عمومی نیل به جمهوریت که منشاء آن بطن جامعه گردد می شود، در ولایات هم سرحد در بستر جهانی شدن و تأثیر پذیری از فرهنگ های همسایه گان منطقه گرایی مبین هویت نوین در داخل و جهان شده است، که محاسن نظام اداری غیر متمرکز غالب تر از هر گونه دیگر به منظور منطقه گرای و دست بالا داشتن ولایات در امور تصدی، و دولت را متمرکز تر ساختن در اعمال حاکمیتی و مقتدر بخشی در سطح جهان است، و انتخاب مجرایان محلات و حکومت، مسبب است بر تقویت شایسته سالاری، که بنیاد بر نفی تقسیم قدرت بین اقوام شود. البته تمرکز گرای و پیامدهای منفی آن در دو دهه اخیر تعدیل قانون اساسی را ضرورت عصر کنونی ساخته بود که این ضرورت منجر به ارائه های مدل های مختلف و ناپایدار گونه های دولت شده است. البته ارائه مدل ها نه چند زیاد از مسیر تحقیق و آکادمیک بوده، بلکه توسط احزاب و گروه های متخلف در کشور است. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی پژوهش شده و از دیدگاه تخصصی حقوق عمومی استنتاج مدل مطلوب نظام اداری برای نظام آینده افغانستان نموده است.

واژگان کلیدی: تمرکز گرای قانون اساسی ۱۳۸۲، امتناع یا فرصت بودن فدرالیسم، تمرکز زدایی و دموکراسی های محلی، منطقه گرایی نوین هویت بین المللی.

^۱ کارشناس ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد افغانستان.

Faqiri85@gmail.com

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی، گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. (نویسنده مسئول)

Mehdi.shabannia@gmail.com

